

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۹۳-۱۱۰

## نمود فعل در زبان لری و گونه‌های آن<sup>۱</sup>

لیلا ضیا مجیدی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)

فریده حقی‌بین<sup>۳</sup>

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)

### چکیده

پژوهش حاضر به شباهت‌ها و تفاوت‌های نظام نمودی در سه گونه مختلف زبان لری بررسی می‌پردازد. افزون بر طبقه‌بندی نظام‌های نمودی لری در این گونه‌ها، تفاوت‌های این نظام‌ها با نظام نمودی زبان فارسی نیز بررسی خواهد شد. در نوشتار حاضر، با تکیه بر نظریه هیوسن و بوینیک (۱۹۹۷) نظام سه‌گانه نمود، شامل متکامل، نامتکامل و کامل در زبان لری بررسی خواهد شد. تفاوت اصلی صورت‌های نمودی لری و فارسی، در ساخت کامل لری است که در آن، ضمیر شخصی بی‌درنگ پس از ستاک و پیش از صورت دستوری شده فعل معین بودن، می‌آید. این ویژگی، به‌نظر می‌رسد بازمانده‌ای از نظام کنایی در زبان‌های ایرانی غربی باشد. از همین روست که می‌توان لری را در میانه طیف زبانی فارسی و کردی در زبان‌های ایرانی غربی دانست؛ افزون بر این، در صورت نمود استمراری لهجه‌های مختلف این زبان، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. با اینکه این تفاوت‌ها را می‌توان در مواردی ناشی از ویژگی‌های خاص هرگونه دانست، ولی در مواردی نیز این تفاوت‌ها در نتیجه برخورد زبان‌ها و تأثیر زبان فارسی پیش آمده است. در گویش خرم‌آبادی، نمود استمراری مانند فارسی با صورت فعل معین داشتن به کار می‌رود، در حالی که در گویش بختیاری و بالاگریوه‌ای، این صورت متداول نیست. این تنوع ناشی از انتقال یک نشانه دستوری، از زبانی به زبان دیگر است که تأثیر زبان فارسی را بر روی گویش‌های مختلف زبان لری نشان می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** نمود کامل، نمود متکامل، نمود استمراری، لری.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲

[l.ziamajidi@alzahra.ac.ir](mailto:l.ziamajidi@alzahra.ac.ir)

[fhaghbin@alzahra.ac.ir](mailto:fhaghbin@alzahra.ac.ir)

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

۲- پست الکترونیکی:

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

## ۱- مقدمه

لری، یکی از زبان‌های ایرانی غربی است که بیش از چهار میلیون گویشور دارد. این زبان، در بخش‌های غربی ایران، از جمله بخش‌هایی از استان همدان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، از خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد صحبت می‌شود؛ همچنین، در قسمت‌هایی از استان فارس نیز به گونه‌هایی از این زبان سخن می‌گویند. در مورد تقسیم‌بندی گویش‌های مختلف زبان لری، نظرهای متفاوتی وجود دارد که از سوی پژوهش‌گران، مورد بررسی قرار گرفته است؛ به‌طور مثال، ویندفور<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) لری را یکی از شاخه‌های زبان فارسی می‌داند. به گمان وی، در جنوب غربی ایران، دو گونه زبانی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را منتسب به فارسی<sup>۵</sup> دانست، زیرا بسیاری از مشخصه‌هایی را که از ایرانی نو آغازین غربی به‌صورت تحوّل یافته در این زبان‌ها قابل مشاهده است، حفظ کرده‌اند، ولی با این حال، هریک به‌طور جداگانه تحوّل یافته‌اند. این دو گونه زبانی عبارت‌اند از: ۱- گویش‌های نوع لری (شامل لری اصیل، بختیاری، بویراحمدی، ممسنی و کهگیلویه)؛ ۲- گونه‌های فارسی که از سواحل خلیج فارس تا فلات مرکزی و غربی پراکنده‌اند (ویندفور، ۲۰۰۹: ۴۱۸)

این در حالی است که بسیاری از پژوهش‌گران دیگر، لری را زبان مستقلی می‌دانند؛ به‌طور مثال، پایگاه اینترنتی اتنولوگ<sup>۶</sup> نیز لری را زبانی مجزاً در نظر می‌گیرد که گوناگونی‌های آن شامل گوناگونی در گویش است. مک‌کینان<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) معتقد است که گویش‌های لری، با وجود شباهت بسیاری که با زبان فارسی دارند، در مشخصه‌هایی باهم اشتراک دارند که آن‌ها را از فارسی معیار متمایز می‌کند (مک‌کینان، ۲۰۱۱). به گمان وی، نظام واجی، صرفی و نیز نظام واژگانی لری، با فارسی تفاوت دارد (مک‌کینان، ۲۰۰۲)؛ از سوی دیگر، گویش‌های لری به دلیل اشتراک در بسیاری از مشخصه‌های ابداعی برگرفته از فارسی، از دیگر گویش‌های ایرانی غربی متمایز می‌شوند (مک‌کینان، ۲۰۰۲)؛ ولی برخی از پژوهش‌گران، گوناگونی‌های لری را ناشی از این می‌دانند که این‌ها زبان‌های مجزاً و بسیار نزدیک‌اند. در نقشه‌ای موسوم به مردم ایران که در دانشگاه آستین تگزاس<sup>۸</sup> تهیه شده است، لری و بختیاری، دو گروه قومیتی مجزاً تلقی شده‌اند؛ از سوی دیگر، امان‌اللهی بهاروند (۱۳۹۳) زبان لری را به دو دسته لری شرقی و غربی تقسیم می‌کند. وی زبان لری شرقی را شامل بختیاری و گونه‌های زبانی که در دزفول و

4. Gernot Windfuhr

5. Perside

6. Ethnologue: Languages of the world (www.ethnologue.com)

7. C. MacKinnon

8. Peoples of Iran [Ethnolinguistic Groups] University of Texas at Austin library website

شوشتر تکلم می‌شوند، می‌داند و در زبان لری غربی، لری بروجردی، نهاوندی و دیگر گویش‌های لری را می‌گنجانند. مک‌کینان (۲۰۱۱) تقسیم‌بندی خود را از گویش‌های لری بدین صورت عنوان می‌کند: گویش‌های زبان لری به‌طور طبیعی به دو دسته کاملاً مجزاً تقسیم می‌شوند: لری بزرگ و لری کوچک. وی لری بزرگ را لری جنوبی و لری کوچک را لری شمالی می‌نامد. لری جنوبی، شامل بختیاری، لری ممسنی و بویراحمدی و همچنین لری‌ای است که در مناطقی از خوزستان (رامهرمز، اندیمشک، مسجدسلیمان، دزفولی و شوشتر) صحبت می‌شود. لری شمالی، شامل لری گیونی، خرم‌آبادی، چگانی، بالاگریوه‌ای و در مواردی فیلی و نهاوندی است.

انونبی<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) نیز در مقاله‌ای به این گوناگونی نظرها در زمینه پیشینه قومیتی و زبانی این ملت‌ها پرداخته است. وی با در نظر گرفتن دو معیار فهم متقابل و آمار واژگانی، این گونه‌گونی را بررسی کرده و تقسیم‌بندی خود را بر مبنای طیفی از لری که شامل سه زبان مختلف است، ارائه می‌دهد: لرستانی، بختیاری و لری جنوبی. وی، لرستانی را شامل خرم‌آبادی، بروجردی، نهاوندی، لری اندیمشک و برخی گویش‌های روستایی می‌داند. بختیاری، گونه‌های هفت‌لنگ، چارلنگ، چلگرد و کوه‌رنگ را دربر می‌گیرد و لری جنوبی، شامل بویراحمدی، کهگیلویه، ممسنی و شولی می‌شود.

در این پژوهش، به پیروی از انونبی (۲۰۰۳) به سه گروه مختلف در زبان لری (لرستانی، لری جنوبی و بختیاری) پرداخته می‌شود و نمود دستوری<sup>۱۰</sup> فعل در این سه گروه مورد بررسی قرار می‌گیرد. با اینکه انونبی، در پژوهش خود از سه زبان مختلف صحبت کرده و از آنجا که در اینجا، هدف تنها بررسی نمود فعل است، در پژوهش حاضر، از اصطلاح گویش، برای این سه گونه لری استفاده می‌شود. در این نوشتار، از گویش لرستانی گونه‌های خرم‌آبادی و بالاگریوه‌ای و از گویش لری جنوبی، گونه ممسنی و نیز گویش بختیاری بررسی می‌شود.

داده‌های این مقاله، از طریق مصاحبه با گویشوران بومی یا استفاده از مثال‌های موجود در پژوهش‌های پیشین جمع‌آوری شده‌اند. نگارندگان مقاله، گویشور بومی زبان فارسی‌اند و آشنایی اندکی نیز با زبان لری دارند. مصاحبه‌شونده‌ها همه افرادی بودند که زبان لری، فارسی و انگلیسی را می‌دانستند؛ بنابراین، در پرسش‌هایی که از آن‌ها می‌شد، بافت جمله توضیح داده شد و انواع جملات مشابه در فارسی و انگلیسی نیز بیان شد تا به معادل دقیق در گویش مورد نظر دست یافته شود. پس از

9. Erik Anonby

10. grammatical aspect

جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از نظریه مورد نظر، داده‌ها بررسی شدند و در تقسیم‌بندی سه‌گانه نمودی، توصیف شدند.

نمود<sup>۱۱</sup>، از مشخصه‌های اصلی فعل به‌شمار می‌رود و از لحاظ تصریف، ارتباط تنگاتنگی با زمان دستوری<sup>۱۲</sup> و وجه<sup>۱۳</sup> دارد. نمود هم به‌صورت دستوری و هم به‌صورت واژگانی نمایانده می‌شود. از لحاظ دستوری، بسیاری از زبان‌ها برای مشخص کردن شکل‌گیری درونی زمان یک وضعیت، از تمایز تصریفی یا غیر تصریفی استفاده می‌کنند، مانند تمایز میان حال استمراری و حال ساده در انگلیسی یا تمایز میان متکامل<sup>۱۴</sup> و نامتکامل<sup>۱۵</sup> در زبان‌های اسلاوی. در این مقاله، پس از اشاره به پژوهش‌هایی که پیش از این در این زمینه روی لری انجام شده است، به توصیف نظام نمودی<sup>۱۶</sup> آن پرداخته می‌شود.<sup>۱۷</sup>

## ۲- ساخت نمود و نشان‌گرهای آن در گونه‌های مختلف زبان لری

در پژوهش‌های گوناگونی که روی زبان لری انجام گرفته، اشاره‌های اندکی نیز به ساخت زمان دستوری و نمود در این زبان شده است. در این خصوص، می‌توان به تحقیقات مک‌کینان (۲۰۰۲ و ۲۰۱۱) انونبی (۲۰۰۳) انونبی و اسدی (۲۰۱۴) طاهری (۱۳۸۵) عباسی و نجفیان (۱۳۹۴) سلیمانی و حقبین (۱۳۹۵) و کریمی و دیگران (۱۳۹۶) اشاره کرد.

طاهری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت فعل در بختیاری» به بررسی فعل در بختیاری از جنبه‌های گوناگون پرداخته و از نظر زمان دستوری دسته‌بندی مفصلی انجام داده است. در مقاله مورد نظر، اشاره‌هایی نیز به نشان‌گرهای نمود در این زبان شده است؛ از جمله، وی ادات /hey/ و /hone/ را به‌ترتیب، نشان‌گر نمود پیاپی (تکریری) و نمود در جریان می‌داند. در این مقاله، برخلاف انتظار درباره نمود که یکی از ارکان اصلی ساخت فعلی به‌شمار می‌رود، به‌صورت دقیق و مفصل بحثی نشده است.

11. aspect

12. tense

13. mood

14. perfective

15. imperfective

16. aspectual system

۱۷- شایسته است گفته شود، نگارندگان ضمن آگاهی از واژه‌های مرسوم پیشین در حوزه نمود (از قبیل تام، غیر تام/ کامل، ناقص/ کامل، ناکامل)، اصطلاحات متکامل، نامتکامل و کامل را برای اشاره به این تمایز نمودی سه‌گانه در زبان فارسی برگزیده‌اند. این معادل‌ها، برای نخستین بار در فارسی به این صورت به‌کار برده شده‌اند و هدف اصلی، تمایز میان نمود متکامل و کامل است. در پژوهش‌های پیشین فارسی روی نمود، یکدست نبودن در اصطلاحات، به تداخل‌های مقوله‌ای بسیار منجر شده است، به‌طور مثال، نمود کامل را یا متکامل در نظر گرفته‌اند یا نامتکامل و... (ر.ک. سلیمانی و حقبین، ۱۳۹۵)

مک‌کینان (۲۰۱۱) به پیشوندهای نشان‌گر نمود در بختیاری و لری اشاره می‌کند و «ای» /i/ را نشانه نمود نامتکامل و «ب» /be/ را پیشوند مضارع التزامی معرفی می‌کند.<sup>۱۸</sup> وی اشاره می‌کند که برخلاف صورت استمراری<sup>۱۹</sup>، حال ساده عمومی<sup>۲۰</sup> (بدون پیشوند /i/)، امور عادت‌ی معمول را نشان می‌دهد.

جدول (۱). صرف اول‌شخص مفرد از فعل کردن در بختیاری (مک‌کینان، ۲۰۱۱)

ī-kun-um	زمان حال
kun-um	زمان حال عمومی
ī-kerd-um	ناکامل <sup>۲۱</sup>
kerd-um	گذشته
kerd-um-e	کامل <sup>۲۲</sup>
kerd-um bī	گذشته کامل

مک‌کینان، با اینکه به نمود فعل نیز پرداخته، ولی منظور خود را از امور عادت‌ی معمولی، روشن نکرده و مبنای تقسیم‌بندی نمودی خود را نیز بیان نکرده است.

انونبی و اسدی (۲۰۱۴) در مورد گویش بختیاری، کتابی نوشته‌اند با عنوان *مطالعات بختیاری البته* در بخش فعل کتاب، به نمود در این زبان پرداخته نشده است. در این کتاب، به صورت صریح عنوان شده که هدف نویسندگان، ارائه توصیف نمودی از افعال بختیاری نبوده است؛ با این حال، در آن اشاره‌های گذرایی به نشان‌گرهای نمود نیز دیده می‌شود؛ به‌طور مثال، به /e/ نشان‌گر نمود استمراری در این زبان اشاره شده است (انونبی و اسدی، ۲۰۱۴: ۱۳۰).

عباسی و نجفیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت ماضی در گویش بختیاری چهارلنگ»، به بررسی ساخت‌های مربوط به زمان گذشته در بختیاری پرداخته‌اند. به گمان ایشان، ساخت ماضی در بختیاری متمایز از ساخت مشابه در زبان فارسی است. آن‌ها، بختیاری را دارای وجوه اخباری، التزامی و تمنایی معرفی کرده‌اند و درخصوص ویژگی‌های نمودی بختیاری گفته‌اند که دارای سه نوع نمود ساده،

۱۸- وی، همچنین اشاره می‌کند که در مواردی ممکن است صورت سوم‌شخص گذشته در بختیاری همراه با **be** بیاید. مک‌کینان در مقاله‌ای دیگر این پیشوند را در زبان فارسی نو آغازین، نشانه متکامل در نظر گرفته است. (مک‌کینان، ۱۹۷۷). به‌نظر می‌رسد «ب»، بازمانده همان پیشوند نشانگر متکامل در زبان‌های ایرانی غربی باشد که همچنان گاهی در ساخت گذشته ساده بختیاری کاربرد دارد.

19. progressive/ inchoative
20. general present
21. imperfect
22. perfect

استمراری و کامل است. نویسندگان مبنای این تقسیم‌بندی را بیان نکرده‌اند و با نگاه اول، می‌توان به یکدست‌نبودن در این تقسیم‌بندی پی برد؛ زیرا در یک دسته (ساده)، معیار نوع تصریف را در نظر گرفته‌اند و در دو دسته دیگر (استمراری و کامل)، اصطلاحات مربوط به محتوای نمودی را به کار برده‌اند؛ افزون بر این، براساس یافته‌های جدید، فعل ناکامل، گذشته فعل استمراری نیست؛ بلکه همانند استمراری، زیرگروهی از نمود نامتکامل است<sup>۲۳</sup> (کامری<sup>۲۴</sup>، ۱۹۷۶؛ هیوسن و بوبنیک<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۷).

سلیمانی و حقیقین (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه» به توصیف نمود در این گویش پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که در این گویش، زمان دستوری در ساخت‌های حال ساده، گذشته ساده، گذشته نقلی و گذشته بعید دیده می‌شود. نمود در این گویش، تنها در سه صورت کامل، ناکامل و تقریب بررسی شده و بنابراین در لری بالاگریوه‌ای نمود کامل با گذشته ساده، گذشته نقلی و گذشته بعید نشان داده می‌شود. نمود ناکامل و استمراری، در زمان حال با ماده مضارع فعل خواستن و در زمان گذشته با ماده ماضی همین فعل ساخته می‌شوند. حال کامل در این گویش، نمود ناکامل را نشان می‌دهد. نمود تقریب نیز در زمان گذشته، با *has* با مطابقت با شخص و شمار فعل اصلی صورت می‌گیرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ساخت کامل در این گویش از طرفی نمود کامل در نظر گرفته شده (در کاربرد نقلی) و از دیگر سو، نمود ناکامل. این ناهماهنگی در تقسیم‌بندی نمودی، خواننده را دچار آشفتگی می‌کند؛ افزون بر این، تمایز میان نمود نامتکامل و نمود کامل، در این تقسیم‌بندی‌ها تعیین نشده است.

کریمی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «جستاری بر گویش بختیاری در شهرستان ازنا (لرستان)»، به بررسی جنبه‌های مختلفی از این گویش پرداخته‌اند و اشاره‌ای نیز به بحث نمود کرده‌اند. آن‌ها، نمود را نحوه انجام گرفتن فعل از نظر شروع، پایان و استمرار تعریف کرده‌اند. چهار نمود استمرار، مکرر، عادی و مستمر را برای گویش بختیاری ازنا معرفی کرده‌اند. همان‌طور که در مثال‌های زیر از داده‌های ایشان دیده می‌شود، تمام این موارد، زیربخش‌هایی از نمود نامتکامل هستند و به دیگر صورت‌های اصلی نمودی مانند نمود تکامل و نمود کامل اشاره نشده است.

### 1) a. *teron zendegi?ekerdem*

تهران زندگی می‌کردم. (استمراری)

۲۳- مقایسه کنید *z'allais* را در زبان فرانسه که ناکامل است و *I was going* در انگلیسی که استمراری است.

24. B. Comrie

25. J. Hewson & V. Bubenik

**b. harru berenĵ ʔexordim**

هرروز برنج می‌خوریم. (عادت)

**c. harru ʔerem dânešgâh**

هر روز میرم دانشگاه. (مکرر)

**d. dâštīm harf ʔezeyim**

داشتیم حرف می‌زدیم. (مستمر)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از نمود لری در پژوهش‌های پیشین ارائه شده است، این در حالی است که همچنان توصیف جامع و نظام‌مندی از نمود در این زبان انجام نشده است. در بیشتر این تحقیقات، ردّ پای تقسیم‌بندی‌های مرسوم در دستور سنتی (ساده، استمراری، کامل) یا عدم تمایز نمود متکامل و نمود کامل یا پرداختن به تنها زیربخشی از یک مقوله نمودی دیده می‌شود. در مطالعات نمودشناسی<sup>۲۶</sup>، با دو نوع نمود واژگانی<sup>۲۷</sup> یا نوع عمل<sup>۲۸</sup> و نمود دستوری<sup>۲۹</sup> روبه‌رو هستیم. در بیشتر توصیفات نمودی انجام‌شده بر روی لری، گرایش غالب به خلط معنا و نشانه دستوری بوده است. در اینجا با رویکردی کاملاً صرفی، صرف نظر از معنا، تنها به نمود دستوری در افعال زبان لری پرداخته می‌شود. این توصیف، در قالب رده‌شناسی نمود و از نظر تصریفی انجام می‌شود و متغیرهای معنایی در این دسته‌بندی دخالتی ندارند.

**۳- نمود دستوری و نظریه‌ای نظام‌مند**

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه زمان دستوری و نمود انجام شده است. هرکدام از این تحقیق‌ها، از منظر متفاوتی به این موضوع نگرسته‌اند؛ به‌طور مثال از نگاه صورت‌گرایی، شناختی، نقش‌گرایی یا مقولات دنیای واقعی؛ بنابراین، با مجموعه‌ای از تحلیل‌های متفاوت روبه‌رو هستیم که هرکدام استدلال‌های مخصوص خودشان را دارند.

موقعیت‌ها ممکن است یا به‌مثابه یک کل در نظر گرفته شوند و به‌مثابه اجزای بخش‌ناپذیر یک کل، مفهوم‌سازی شوند یا در رویارویی با سازه‌های درونی آن‌ها ملحوظ گردند. نگاه کلی به یک موقعیت، مرزهای آن را مدّ نظر قرار می‌دهد و با نگاه درونی، ویژگی‌های جاری در درون یک موقعیت بررسی می‌شوند. گزداؤیچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) معتقد است به‌دلیل پیچیدگی‌های مقوله واژگانی و دستوری چندبعدی‌ای

26. aspectology

27. lexical aspect

28. aktionsart

29. grammatical aspect

که همکردهایی نیز در سطح کلام دارد، هنوز اجماعی در مورد مسائل اصلی آن صورت نگرفته است و اختلاف نظرهای بسیاری در این مورد به چشم می‌خورد. وی معتقد است که برای این گوناگونی‌های رده‌شناختی در صورتی می‌توان توصیف روشنی به دست داد که نمود دستوری و نمود واژگانی به‌طور پیوسته متمایز شوند و ساختار لایه‌ای مقوله‌های مرتبط با زمان به صورت نظام‌مند تحلیل شوند.

در پژوهش حاضر، نظریه‌ای که برای چارچوب پژوهش برگزیده شده، نظریه نظام‌مندی با عنوان نظریه تکوین زمانی است و هیوسن و بونیک (۱۹۹۷) آن را با تکیه بر مطالعات رده‌شناختی - تاریخی خود مطرح کرده‌اند. آن‌ها براساس این نگاه تاریخی و رده‌شناختی، تعریف نظام‌مندی از زمان دستوری و نمود در زبان‌های هندواروپایی به دست داده‌اند. در این نظریه، با ارائه توضیحاتی از زبان انگلیسی، نشان داده می‌شود که زمان و نمود دستوری، دو مقوله شناختی مجزا هستند و دو شیوه کاملاً جدا برای نشان دادن رویدادها در زمان به دست می‌دهند. در این رویکرد، باید زمان و نمود دستوری را به‌مثابه نظام‌های ذهنی‌ای در نظر گرفته شود که باز نمودهایشان بر مبنای تجربه‌های ذهنی و بدنمند<sup>۳۰</sup> شکل می‌گیرند. زمان و نمود، هر دو سازه‌های پیچیده ذهنی هستند؛ جعبه‌های ساده ساختمانی ذهن نیستند، بلکه به تعبیر یاکوبسن (۱۹۹۰: ۲۹۹، به نقل از هیوسن و بونیک، ۱۹۹۷: ۲) ساخت‌هایی لایه‌لایه هستند. در مورد نمود در زبان‌های هندواروپایی پیچیدگی‌هایی هست که ناشی از انواع مختلف نمودی است که در این زبان‌ها دیده می‌شود، زیرا حداقل سه صورت نحوی - صرفی کاملاً متمایز در زبان‌های هندواروپایی وجود دارد (هیوسن و بونیک، ۱۹۹۷: ۱۴):

۱- نمود تحلیلی<sup>۳۱</sup>: دارای فعل معین حامل زمان دستوری همراه با فعل اصلی با نمود متناسب که به آن وابسته است، مانند *I have spoken* در انگلیسی.

۲- نمود ترکیبی<sup>۳۲</sup>: که در آن، یک واژه به‌تنهایی ممکن است هم شامل نشانه زمان دستوری باشد و هم نشانه نمود که به‌طور معمول، نمود با پسوند مشخص می‌شود، مانند *amāūt* در لاتین باستان که در صورت کامل عطف به گذشته است و معادل گذشته بی‌فاصله آن، *amō* است.

۳- نمود معنایی یا نمود واژگانی: که شامل نیروی نمودی معنای واژگانی فعل است؛ به‌طور مثال، در بیشتر زبان‌های اسلاوی، جزء پیش‌فعلی‌ای که به پیشوند متصل شده است، به‌مثابه نشانه‌ای

30. embodied

31. analytic aspect

32. synthetic



متکامل‌ساز<sup>۳۳</sup>، عمل می‌کند و منجر به ساختی با نمود متکامل می‌شود که در تقابل با معادل نامتکامل خود قرار می‌گیرد، مانند وقتی که پیشوند *po-* در زبان روسی به *pit-* (با نمود نامتکامل) متصل می‌شود و نمود متکامل می‌سازد. شایسته است گفته شود که این نوع از نمود که به‌طور کلی واژگانی است، به زبان‌های اسلاوی محدود نمی‌شود، همچنین به‌کاربرد جزء پیش‌فعلی هم محدود نمی‌شود. برخلاف زبان‌های اسلاوی که جزء پیش‌فعلی در آن‌ها کاملاً دستوری شده و جلوه دستوری یافته است، در تمام زبان‌های دنیا هر فعل به‌تنهایی به اقتضای ماهیت واژگانی فعلی‌اش یک نوع عمل خاص خود دارد که هم در زمان دستوری و هم در نمود دستوری منعکس می‌شود.

گردانویچ (۲۰۱۲: ۷۷۹) ساخت زمانی را به سه لایه مختلف تقسیم می‌کند: نمود واژگانی، نمود دستوری و زمان دستوری. وی بر این باور است که هریک از این سه لایه، می‌تواند مستقل از یکدیگر باشند و نمود دستوری کاملاً خودمختار در لایه‌ای دیگر عمل می‌کند – اگرچه عملکرد آن در طی تبادل با نمود واژگانی افعال تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر آنچه بررسی می‌شود، تنها نمود دستوری است. در نظریه هیوسن و بوینیک (۱۹۹۷) نمود به‌مثابه بازنمایی زمانی است که در زمان تحقق فعل (زمان رویدادی) تعریف می‌شود. زمانی که برای آن پنج موقعیت مهم روی محور زمان تعریف می‌شود: آینده، آغازی، نامتکامل، متکامل، کامل.

بررسی نمود در چارچوب این نظریه شامل محور زیر است:

A|B-----C-----D|E

شکل (۱). طبقه‌بندی انواع نمودی در محور زمان (برگرفته از هیوسن و بوینیک، ۱۹۹۷: ۱۴)

که در آن A: زمان معطوف به آینده<sup>۳۴</sup> است، B: در جایگاه نمود آغازین<sup>۳۵</sup>؛ C: نمود استمراری<sup>۳۶</sup>

(زیرمجموعه‌ای از نمود نامتکامل)؛ D: نمود متکامل و E: نمود کامل. در اینجا، وقتی از A, B, C, D, E (بر روی محور زمان برای نمود صحبت می‌شود، در فاصله بین حال و گذشته بحث می‌شود و نه آینده.

2) a. Future (prospective): I will say.

b. Inceptive: I started to say ...

c. Progressive: I am saying ...

33. perfectivizer

34. prospective

35. inceptive

36. progressive

d. Perfective: I said ...

e. Perfect: I have said ..., I had said ...

مهم‌ترین تمایز میان انواع نمود در قالب نظریات مختلف، تمایز میان نمود متکامل و نامتکامل است که بیش از هر چیز، دو شیوه نگاه یا توضیح یک رویداد را نشان می‌دهد. نمود متکامل، نگاه به رویداد را به‌مثابه یک کل و از بیرون در نظر می‌گیرد و نمود نامتکامل، نگاه از درون را به رویداد بررسی می‌کند. نمود متکامل، به ساختار درونی رویداد بی‌تفاوت است در صورتی که نمود نامتکامل، به‌صورت تنگاتنگی با این ساختار درونی نمود پیوند خورده است. در تحلیل حاضر، به سه نقطه نمودی در محور بالا (متکامل، نامتکامل و کامل) پرداخته می‌شود. نمود کامل، در مورد زمان‌های دستوری کامل (گذشته نقلی و گذشته بعید در اصطلاح دستوری زبان فارسی) مطرح می‌شود و با نمود متکامل متفاوت است. شایسته است گفته شود، طبقه‌بندی زمان دستوری، در ارتباط با مقولات نمودی که در این مقاله به آن پرداخته شده، براساس تقسیم‌بندی دوشقی گذشته و غیر گذشته است.

نمود متکامل، رویدادهایی را شامل می‌شود که پیش‌تر انجام و تکمیل شده است. در اینجا زمان‌های دستوری گذشته ساده<sup>۳۷</sup> را شامل نمود متکامل می‌دانیم و تمام زمان‌های دستوری که در آن رویداد یا هنوز تکمیل نشده، یا در جریان، یا در تکرار است یا مبتنی بر عادت است را شامل نمود نامتکامل می‌دانیم. نمود کامل شامل زمان‌های دستوری حال کامل و گذشته کامل است که می‌تواند نتیجه‌ای<sup>۳۸</sup>، تکمیلی<sup>۳۹</sup> و... باشد (در مورد انواع نمود کامل رک. بایبی<sup>۴۰</sup> و دیگران، ۱۹۹۴؛ درینکا<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۷). بونیک (۲۰۱۷) در رده‌شناسی نمود و زمان دستوری در زبان‌های مختلف، توزیع سه‌بخشی نمود را شامل نمود متکامل، نامتکامل و کامل مبنای توصیف نمود در زبان‌های سامی قرار می‌دهد (بونیک، ۲۰۱۷: ۱۷۳-۲۱۰). به‌نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی، تنها نمودی صوری که پیش از این، در مورد زبان‌های هندواروپایی به‌کار گرفته شده بود (هیوسن و بونیک، ۱۹۹۷) بهترین مبنای ارائه توصیفی نظام‌مند از نظام نمودی زبان‌ها باشد. این نظام‌مندی، از آن روست که هم بین‌زبانی است و هم به‌صورت درون‌زبانی در تمام طول الگوی صرفی افعال تکرار می‌شود و یک الگوی صرفی<sup>۴۲</sup> شکل می‌دهد.

37. including preterit and aorist or simple past

38. resultative

39. completive

40. J. L. Bybee

41. B. Drinka

42. paradigm

#### ۴- نمود در گونه‌های مختلف زبان لری

در اینجا به بررسی نظام نمودی در این سه گونه مختلف از زبان لری پرداخته می‌شود و نشان داده می‌شود که افعال در هر سه گونه این زبان، مانند بسیاری از دیگر زبان‌های هندواروپایی در یک نظام سه‌بخشی از نمود فعل قابل توصیف هستند. براساس دسته‌بندی سه‌گانه تحلیلی، ترکیبی و واژگانی، می‌توان گفت در بیشتر زبان‌های ایرانی، با نمود ترکیبی و تحلیلی مواجهیم. نمود ترکیبی، براساس اجزاء صرفی مانند پیشوندها که در نظام صرفی فعل وارد می‌شود خود را نشان می‌دهد و نمود تحلیلی، با عناصر صرفی متعدّد پیرامونی<sup>۴۳</sup>.

#### ۴-۱- نمود در لرستانی

##### ۴-۱-۱- نمود متکامل

در نمود متکامل، با نگاه از بیرون به کلّ یک رویداد انجام‌شده و تکمیل‌شده رویه‌رو هستیم. به لحاظ ارتباط نمود متکامل و زمان دستوری می‌توان گفت، زمان گذشته ساده در بردارنده این نمود است. در لرستانی، ساخت نمود متکامل بسیار مشابه همین ساخت در زبان فارسی است: ستاک گذشته به‌علاوه ضمائر پیوسته شخصی اجزای تشکیل‌دهنده این نمود هستند. در مثال‌های زیر، نمونه‌هایی از نمود متکامل در دو لهجه لرستانی (خرم‌آبادی و بالاگریوه‌ای) مشاهده می‌شود:

#### خرم‌آبادی

3) diruz            ræt-ɛm            danišgah  
yesterday go: PAST, 1SG    university  
“Yesterday, I went to the university.”

#### بالاگریوه‌ای

4) duš            ræt-ɛm            danešga  
yesterday go: PAST, 1SG    university  
“Yesterday, I went to the university.”

#### ۴-۱-۲- نمود نامتکامل

در ساخت نمود نامتکامل، تفاوت‌هایی در گونه‌های مختلف لری وجود دارد که به‌نظر می‌رسد بیش از هر چیز، ناشی از برخورد زبان‌ها و تأثیر پذیرفتن لری از فارسی باشد. مک‌کینان (۲۰۱۱) معتقد است در زبان لری، دو نوع زمان حال وجود دارد؛ وی از زمان حال عمومی و زمان حال استمراری نام می‌برد. به

گمان وی، برخلاف حال استمراری / آغازی، زمان حال عمومی تنها شامل امور عادی معمول می‌شود؛ مانند:

5) ze šūmī tā dæm-æ suv vazan-um zæne šūr  
 from night to near-to morning vazan-my wander: PRES 3SG.  
 “From nightfall to morning my Vazan wanders about.”

در زمان حال استمراری که او ذکر می‌کند، نشان‌گر نمود نامتکامل /ī/ را داریم که بیان‌گر استمرار و در جریان بودن رویداد است. همان‌طور که ذکر شد، در این نگاه نظام‌مند به نمود دستوری، هر رویدادی که تکمیل نشده باشد شامل نمود نامتکامل می‌شود، صرف نظر از استمراری، عادی یا عمومی بودن آن. در این خصوص، گوناگونی‌هایی در میان گونه‌های مختلف لری دیده می‌شود؛ به‌طور مثال، در گویش بالاگریوه‌ای از لرستانی، همان‌طور که سلیمانی و حقیقین (۱۳۹۵) بیان می‌کنند، زمان حال ساده تنها از ماده فعل مضارع و شناسه ساخته می‌شود. مثال (۶) نمونه‌ای از این گویش است:

#### بالاگریوه‌ای

6) hæɾ ruz ruznume xær-ɛm  
 every day newspaper buy: PRES, 1SG  
 “I buy a newspaper everyday.”

اما در گویش خرم‌آبادی از لرستانی، وضعیت کمی متفاوت است. در خرم‌آبادی، برای ساخت حال ساده از پیشوند نمودی /me/ استفاده می‌شود؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این پیشوند، صرف نظر از اختلاف آوایی، همانند نشان‌گر نمود نامتکامل /mi/ در زبان فارسی است.

#### خرم‌آبادی

7) hæɾ ruz ruznamæ me-xær-ɛm  
 every day newspaper IMPFV-buy: PRES, 1SG  
 “I buy a newspaper everyday.”

مک‌کینان (۲۰۱۱) اشاره می‌کند که اعمال در جریان ممکن است به‌صورت‌های متفاوتی مورد تأکید قرار گیرند. در این مورد نیز، گونه‌های مختلف لری تفاوت‌هایی دارند که حتی در لرستانی هم قابل مشاهده است، برای مثال، در برخی از گویش‌های لرستانی مانند گویش بالاگریوه‌ای از /ha/ استفاده می‌شود:

8) ha dæɾs bun-ɛm  
 PROG lesson read: PRES, 1SG  
 “I am studying.”

ولی در خرم‌آبادی مانند فارسی، از فعل معین *داشتن* استفاده می‌شود. این فعل معین، با ساختار فعل

زنجیری، در زمان دستوری گذشته و غیر گذشته، پیش از فعل اصلی می‌آید و نمود نامتکامل فعل را به صورت استمراری نشان می‌دهد:

- 9) dær-ɛm                      dærs      mo-hon-ɛm  
have: PRES,1SG    lesson    IMPFV- read:PRES,1SG  
“I am studying.”

#### ۴-۱-۳- نمود کامل

نمود کامل در زبان لری، متشکل از ستاک گذشته به اضافه ضمائر پیوسته شخصی و جزء دستوری شده فعل معین (æ) است. این فعل معین، صورت دستوری تصریف شده سوم شخص مفرد از فعل بودن در زمان حال ساده است که به صورت واحد منجمدی در انتهای سازه فعلی می‌آید. این ساخت، در هر سه گونه لری همانند است.

- 10) mæryæm    danišga      ræt-æ  
Maryam    University    go: PAST STM, AUX  
“Maryam has gone to the university.”

گذشته کامل هم به همان روش ساخته می‌شود با این تفاوت که فعل معین آن، صورت دستوری شده فعل بودن است که برای سوم شخص مفرد در زمان گذشته تصریف شده است (bi). این ساخت نیز در هر سه گونه لری همانند است. در گویش بالاگریوه‌ای از گونه لرستانی، صورت کوتاه شده فعل معین به کار می‌رود: bi > i

- 11) mæryæm    danišga      rætæ-bi  
Maryam    university    go: PAST STM, 3SG- AUX: PAST  
“Maryam had gone to the university.”

- 12) mæryæm      ræt-i                                      danešgā  
Maryam      go: PAST STM- AUX: PAST      university  
“Maryam had gone to the university.”

#### ۴-۲- نمود در بختیاری

#### ۴-۲-۱- نمود متکامل

در بختیاری نیز نمود متکامل از ستاک گذشته فعل به اضافه ضمائر پیوسته شخصی ساخته می‌شود.

بختیاری:

- 13) ræh                                      ard-e                      forohdæ  
go:PAST,3SG    flour-Acc      sell: PAST,3SG  
“(s)he went and sold the flour.”

۴-۲-۲- نمود نامتکامل

طاهری (۱۳۸۵) از /e/ به‌مثابه ادات استمرار در بختیاری نام می‌برد و اشاره می‌کند که مضارع اخباری، بدون ادات استمرار می‌آید. همین نشانه استمرار می‌تواند پیش از ماضی ساده بیاید و آن را تبدیل به ماضی استمراری کند. به گمان وی، بودن یا نبودن ادات استمرار در مضارع اخباری هیچ تفاوتی در معنی ایجاد نمی‌کند.

بختیاری:

14) mai ær mæn aw n-æwu, mīr-e  
fish if in water NEG- be: SUBJ,3SG die: PRES,3SG  
“If the fish is not inside the water, it will die.”

15) xuw e-pahse  
well IMPFV- cook: PRES, 3SG  
“It cooks well.”

یکی دیگر از نشان‌گرهای نمودی که در بختیاری برای نمود نامتکامل به‌کار می‌رود /hone/ است. بنابر نظر خسروی (۱۳۷۵) در برخی مناطق به‌صورت /one/ یا /oney/ تلفظ می‌شود. این نشانه نمودی، پیش از مضارع اخباری می‌آید و آن را به نمود در جریان تبدیل می‌کند.

16) dī xers hone- ya  
see: PAST,3SG bear PROG- Come: PRES 3SG  
“(s)he saw the bear is coming.”

17) gage- t hone + yah-ε  
brother- yours PROG+ come: PRES,3SG  
“Your brother is coming.”

افزون بر صورت‌های بالا، صورت استمراری جدید دیگری نیز در بختیاری وجود دارد که با کمک فعل معین *داشتن*، ساخته می‌شود و برای تأکید بر در جریان بودن رویداد به‌کار می‌رود. این صورت، همانند صورت استمراری در فارسی است و در لهجه خرم‌آبادی از گونه لرستانی نیز دیده می‌شود.

18) dar-em xovn-om  
have: PRES,1SG read: PRES,1SG  
“I am reading.”

نمود کامل در بختیاری نیز دقیقاً همانند دیگر گونه‌های لری ساخته می‌شود و تنها تفاوت‌ها در ساخت کامل در گونه‌های متفاوت تفاوت‌های آوایی است و نه ساختاری.

۴-۳- نمود در لری جنوبی

۴-۳-۱- نمود متکامل

در لری جنوبی نیز، نمود متکامل از ستاک گذشته فعل به‌اضافه ضمائر پیوسته شخصی ساخته می‌شود.

- 19) dig                    ræt-om                    danešgah  
yesterday go: PAST 1SG    university.  
“I went to [the] university.”

۴-۳-۲- نمود نامتکامل

در لری جنوبی نیز مانند بختیاری زمان حال ساده به دو صورت ساخته می‌شود. صورت اول، همان ستاک مضارع به‌اضافه ضمیرهای متصل شخصی است که به گفته گویشوران بومی، این زبان بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمود نامتکامل با نشان‌گر نمودی /i/ نیز ساخته می‌شود که همان پیشوند استمراری‌ساز است و همانند /mi/ در فارسی عمل می‌کند و در زمان گذشته و حال هر دو کاربرد دارد.

- 20) mo    i-r-æm                    danešgah  
I    PROG-go: PRES, 1SG    university  
“I go to [the] university.”

مثال‌های ۱۹ و ۲۰، نمونه‌های دیگری از نمود نامتکامل در زبان لری جنوبی هستند:

- 21) mæ hæR    ruz    ruznamæ    ?i-sun-æm  
I    each    day    newspaper    IMPV- buy: PRES, 1SG  
“I buy a newspaper everyday.”

- 22) dar-om                    chi                    ?i-xor-om  
have: PRES 1SG    something    IMPV-eat: PRES 1SG  
“I am eating something.”

نمود کامل در لری جنوبی نیز مانند گونه‌های دیگر ساخته می‌شود، یعنی از ترکیب ستاک گذشته، ضمیر شخصی و فعل معین که نشان‌دهنده نمود کامل هستند:

- 23) mæRjæm    ræt-e                    danešgah  
Maryam go:PERF 3SG    university.  
“Maryam has gone to the university.”

مثال ۲۳، نیز نمود کامل در لری جنوبی را نشان می‌دهد، با کاربرد متفاوت گواه‌نمایی که در فارسی نیز کاربرد دارد. در مثال ۲۴ این ساخت در لری نیز دیده می‌شود:

- 24) ?i-gon                    ostad    ræ:t-æ                    rikaika  
IMPFV-say: PRES 3PL    Professor go:PAST STM -AUX: PRES    America  
“They say that the professor has gone to US.”

این صورت دستوری‌شده فعل بودن در زبان لری می‌تواند ستاک متکامل این فعل معین باشد که در دوره‌های پیشین زبان در ساخت کنایی به‌کار می‌رفته و پس از دستوری‌شدن به‌مثابه جزئی ثابت در ساخت نمودی کامل ماندگار شده است. این در حالی است که عباسی و نجفیان (۱۳۹۴) اشاره کرده‌اند

که حتی ساخت کامل نیز در لری بختیاری تحت تأثیر زبان فارسی در معرض تغییر است. به گفته ایشان، در ساخت نمود کامل در بختیاری، گاهی آن را تحت تأثیر فارسی صرف می‌کنند؛ یعنی شناسه‌ها را به فعل معین می‌چسبانند و نه فعل اصلی (عباسی و نجفیان، ۱۳۹۴).

با وجود شباهت‌های بسیاری که این سه شاخه لری دارند، تفاوت‌هایی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد که می‌توان آن را ناشی از برخورد با زبان‌های دیگر دانست. به طور کلی، در طیف زبان‌های ایرانی غربی می‌توان لری را در میانه این طیف بین فارسی و کردی قرار داد. به نظر می‌رسد ساخت نسبتاً متفاوت نمود کامل در لری، نشانه‌هایی از بقایای نظام کنایی در دوره‌های پیشین این زبان باشد. از آنجا که کردی (سورانی)، دارای نظام کنایی و فارسی بدون این نظام است، می‌توان لری را در میانه این طیف در دوره‌ای از گذار به مرحله جدیدی از زبان دانست.

#### ۵- نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد، لری و فارسی شباهت‌های بسیاری دارند و شاید از همین روست که برخی زبان‌شناسان از جمله ویندفور (۲۰۰۹) آن را گونه‌ای از شاخه‌های زبان فارسی می‌دانند. با این حال، تفاوت‌هایی هم در این زبان وجود دارد که در این جستار به آن اشاره شد، از جمله ساخت زمان حال ساده و ساخت‌های نمود کامل. این زبان، به صورت کلی، در مقایسه با زبان فارسی مشخصه‌های کهن‌تری از خود نشان می‌دهد. انونبی (۲۰۰۳) معتقد است شباهت‌های بسیار لری و فارسی ناشی از قرض‌گیری واژگانی است. در صورتی که در داده‌های این مقاله ملاحظه شد که حتی در ساخت‌های دستوری، به‌طور مثال ساخت نمودی، نیز این زبان از فارسی بسیار وام گرفته است و می‌گیرد. آنچه جالب توجه است این است که گونه‌های مختلف لری، تحت تأثیر زبان رسمی کشور (فارسی)، در حال تغییرند، به نظر می‌رسد این پدیده تغییر در زبان‌های حوزه شهری بیشتر از مناطق روستایی رخ می‌دهد؛ برای مثال، در گونه لرستانی، در لهجه خرم‌آبادی، شباهت بیشتری با زبان فارسی دیده می‌شود؛ در صورتی که لهجه بالاگریوه‌ای ویژگی‌های اصیل‌تر خود را حفظ کرده است.

یکی دیگر از تمایزهایی که در زبان لری بسیار جالب توجه است، ساخت نمودی کامل است. همان‌طور که ملاحظه شد، ترتیب قرارگرفتن ضمائر شخصی و فعل معین در این ساخت، با فارسی تفاوت دارد و فعل معین در ساخت نمود کامل در لری، صورت دستوری شده و ثابتی است و مانند فعل معین در فارسی صرف نمی‌شود. این ترتیب قرارگرفتن ضمیر و فعل معین، یادآور صورت‌های صرف‌شده فعلی همراه با واژه‌بست در برخی زبان‌های کنایی ایران همچون کردی در میان زبان‌های



ایرانی غربی است. به نظر می‌رسد این وضعیت، مؤید این نظر است که جایگاه زبان لری بر روی طیف زبان‌های ایرانی غربی میان زبان فارسی و زبان کردی است. شاید به دلیل برخی شباهت‌ها از این نوع باشد که برخی زبان‌شناسان (بلو<sup>۴۴</sup>، ۱۹۸۹) لری را متعلق به شاخه زبان کردی در زبان‌های ایرانی غربی می‌دانند.

### نشانه‌های اختصاری

AUX: فعل معین؛ PERF: کامل؛ IMPFV: نامتکامل؛ PFV: متکامل؛ PAST: گذشته؛ PRES: حال؛ STM: ستاک؛ SG: مفرد؛ PL: جمع.

### منابع

امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۹۳) قوم‌لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لر‌ها در ایران. تهران: آگه.

خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۵) گویش بختیاری. اصفهان: غزل.

سلیمانی، آرزو و فریده حقیبن (۱۳۹۵) زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه. جستارهای زبانی، ۷ (۳۰)، ۲۴۵-۲۶۲.

عباسی، ندا و آرزو نجفیان (۱۳۹۴) ساخت فعل ماضی در گویش بختیاری چهارلنگ، در سپه‌وند، عزت‌الله (ویراستار)، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌های بومی زاگرس، (صص ۴۱۲-۴۴۳)، لرستان: دانشگاه پیام نور خرم‌آباد.

طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵). فعل در گویش بختیاری. مجله گویش‌شناسی، ۳ (۱ و ۲)، ۸۶-۱۰۸.

کریمی، وحید؛ امید کریمی و حسین گرجی (۱۳۹۶) جستاری بر گویش بختیاری در شهرستان ازنا. فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۳ (۱۸)، ۱۴۳-۱۵۷.

Anonby, E. J. (2003). Update on Luri: How Many Languages?. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 13 (2), 171-197.

Anonby, E., & A. Asadi (2014). *Bakhtiari Studies: Phonology, Text, Lexicon*. Acta Universitatis Upsaliensis.

Binnick, R. I. (Ed.). (2012). *The Oxford handbook of Tense and Aspect*. Oxford University Press.

Blau, J. (1989). Le kurde Lori. In C.-H. de Fouchecour and Ph. Gignoux (Eds.), *Études irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard*, 37-58. Paris.

Bubenik, V. (2017). *Development of Tense/Aspect in Semitic in the Context of Afro-Asiatic Languages* (Vol. 337). John Benjamins Publishing Company.

- Bybee, J. L., R. D. Perkins, & W. Pagliuca (1994). *The Evolution of Grammar: Tense, Aspect, and Modality in the Languages of the World* (Vol. 196). Chicago: University of Chicago Press.
- CIA (Central Intelligence Agency) (1982). *Peoples of Iran*. [http://www.lib.utexas.edu/maps/middle\\_east\\_and\\_asia/iran\\_peoples\\_82.jpg](http://www.lib.utexas.edu/maps/middle_east_and_asia/iran_peoples_82.jpg)
- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge University Press.
- Drinka, B. (2017). Sources of the Perfect in Indo-European. In: *Language Contact in Europe: The Periphrastic Perfect through History* (Cambridge Approaches to Language Contact, pp. 73-93). Cambridge: Cambridge University Press.
- Gvozdanovic, J. (2012) "Perfective and Imperfective Aspect", In: Binnick, R. I. (Ed.). *The Oxford Handbook of Tense and Aspect*. Oxford University Press.
- Hewson, J. & V. Bubenik (1997) *Tense and Aspect in Indo-European Languages*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamin.
- MacKinnon, C. (1977). The New Persian Preverb Bi. *Journal of the American Oriental Society*, 97 (1), pp. 8-26.
- (2002). *The dialect of Xorramābād and comparative notes on other Lori dialects*. *Studia iranica*, 31 (1), 103-138.
- (2011). "Lori dialects". *Encyclopædia Iranica* 18. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University. Online address: <http://www.iranicaonline.org/articles/lori-dialects>.
- Windfuhr, G. (2009). Dialectology and topics. In: Gernot Windfuhr (Ed.). *The Iranian languages*, (pp. 5-42) London / New York: Routledge.